

یادداشت وارده؛

برداشتی از اخلاق مدیریت در قرآن (۱)

کتاب آسمانی ما قرآن راهکارهایی برای مدیریت دارد که در یادداشت پیش رو به آن پرداخته می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، شفیعی می‌نویسد: مدیریت و رهبری در جوامع انسانی از دیرباز تاکنون یکی از اصول مسلم و قابل قبول برای همه بوده است.

هیچ جامعه‌ای بدون مدیر و هیچ نهاد و دستگاهی بدون رئیس و مسئول امکان اداره به شکل مطلوب ندارد.

امام علی(ع) می‌فرماید: «چاره‌ای نیست جز اینکه جوامع دارای رهبر باشند، چه فاجر، چه صالح». یعنی هرچند که رهبر و مدیر ناصالح شایستگی آن را ندارد که زمام امور مردم را به دست گیرد و حق این است که انسان‌های صالح مدیریت جوامع انسانی را به‌دست گیرند؛ ولی جامعه بدون رهبر به هیچ وجه امکان دوام ندارد و با هرج و مرجی که در آن ایجاد می‌شود از هم خواهد پاشید.

در این سلسله یادداشت‌ها تلاش بر این است که با استفاده از آیات قرآن به برخی از اخلاق مدیریتی اشاره شود. نکته دیگر اینکه نمی‌توان ادعا کرد که تمامی آیات قرآن در این زمینه احصاء شده‌اند. چه بسا آیات فراوان دیگری نیز وجود داشته‌اند که اشاراتی به این مقوله در آن‌ها شده باشد ولی از دید ما پنهان مانده باشند. از همین روی از اهل فن و قرآن‌پژوهان انتظار دارد که از راهنمایی خود این حقیر را بی‌بهره نگذارند.

پذیرش عمیق مبانی دینی

از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیری که در نظام اسلامی زمام امور را به دست گیرد، اعتقاد قلبی او به مبانی دینی است. اعتقاد به اسلام رمز اصلی مصون ماندن مسئولان از لغزش‌های فراوانی است که در مقابل آن‌ها وجود دارد. تجربه نشان داده مدیرانی که دیدگاه عمیق اعتقادی ندارند در گرده‌ها و بزنگاه‌های مختلف گرفتار می‌شوند، رنگ می‌بازند و در نهایت دچار انحراف می‌شوند. آن کس که سینه‌اش وسعت یافته تا احکام اسلام را بپذیرد و به آن معتقد شود در برابر وسوسه‌های شیاطین انس و جن مقاومت می‌کند و با ارتباط مداوم با محبوب خویش دست رد به تمامی سوداگران ایمان و اعتقاد مردم می‌زند. قرآن هدایت واقعی انسان‌ها را در پرتو پذیرش تعالیم انسان‌ساز اسلام میسر می‌داند و می‌فرماید: «فَمَنْ يُّرِدْ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُّرِدْ أَنْ يَضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (انعام [۶]/۱۲۵)

ترجمه: و پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر کس را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌کند، چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود. این گونه، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

ارتباط مداوم و قوی با خدا

مدیریت و مسئولیت از جهاتی غفلت‌آور و خطرناک است. این مسأله زمانی بیش‌تر اهمیت پیدا می‌کند که از قبل زمینه‌های منفی نیز در فرد وجود داشته باشد. آنگاه که انسان از یک موقعیت معمولی و یا به عنوان شهروند عادی صاحب پست و مسئولیتی می‌شود، توجه و نگاه‌ها به او عوض می‌شود. از توقعات قانونی که بگذریم توقعات غیرقانونی نیز نسبت به او افزایش می‌یابد. گاهی این درخواست‌ها و توقعات غیرقانونی با تطمیع و سفارش‌های ویژه نیز همراه می‌شود. از سویی دیگر، مدیران به خصوص آنانکه در مرتبه بالاتری قرار دارند بخش وسیعی از اموال بیت‌المال را در اختیار دارند که می‌توانند با برخی ترفندها استفاده‌های کلان شخصی از آن بکنند. همچنین زمینه‌های تخلفات دیگر از جمله اخلاقی نیز برای صاحبان پست بیش‌تر فراهم می‌شود.

از همه این‌ها که بگذریم نفس پذیرش مسئولیت موجب دغدغه‌هایی می‌شود که کم‌کم باعث به فراموشی سپردن معنویات، مسائل عبادی و ... می‌شود. پس این مسائل و مسائل دیگر را اگر بخواهیم در کنار هم بگذاریم، نتیجه می‌گیریم که پست‌های مدیریتی برخلاف ظاهرش که عده‌ای از پذیرش آن خوشحال می‌شوند و دیگران نیز به صاحب آن نگاه دیگری می‌اندازند، امر مطلوبی به شمار نمی‌رود و می‌تواند بسیار خطرناک و مشکل‌زا نیز به حساب آید. کما اینکه تاکنون افراد زیادی را بر زمین زده و در دام خود قرار داده و آبرو و حیثیت چندین‌ساله‌اشان را بر باد داده است. این بدان معنا نیست که بخواهیم شعار غربی‌ها را که می‌گویند قدرت ذاتا فسادآور است بپذیریم. بلکه در اینجا تأکید بر این مسأله است که اگر در افراد زمینه‌های نامناسب وجود داشته باشد قدرت، موجبات فساد را فراهم می‌کند.

به هر حال با همه اوصافی که گفته شد و خطرهایی که وجود دارد می‌طلبید هر کسی که سکان مدیریت دستگاهی را بر عهده می‌گیرد لزوماً میزان ارتباط، تضرع، راز و نیاز و فعالیت‌های عبادی خود را با خداوند بیش‌تر کند. ارتباط پیوسته با خدا و به یاد او بودن که در قرآن تعبیر به «ذکر» شده است میزان انحراف و افتادن در وادی خطا را بسیار کم می‌کند.

خداوند در آیات مکرر بر این امر تأکید ورزیده که اگر انسان ارتباطی خالصانه با او برقرار کند و آنگاه که هواهای نفسانی و شیطان دامن او را می‌گیرد به

یاد خدا بیفتد خدا نیز دست او را می‌گیرد و او را از سقوط در دره گناه محافظت خواهد کرد.
«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف[۷]/۲۰۱)
ترجمه: در حقیقت کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد [خدا را] به یاد آورند و به‌ناگاه بینا شوند.

همچنین قرآن انسان‌ها را به یاد خدا به طور مستمر در همه اوقات سفارش می‌کند. «وَأَذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْفَةً وَدُونَ الْجَهْدِ مِنَ الْقَوْلِ يَالْعَذُوِّ وَالْإِصْلَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» (اعراف[۷]/۲۰۵)
ترجمه: و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی‌صدای بلند یاد کن و از غافلان مباش.

نتیجه آنکه هر چه مسئولیت انسان سنگین‌تر باشد خطری که از ناحیه مختلف او را تهدید می‌کند بیش‌تر است پس تنها راه علاج این خطرها پناه بردن به خدا از شر شیطان و ارتباط روحی با معبود خویش است.
این نکته را نباید ناگفته گذاشت که پست و ریاست همان قدر که می‌تواند خطرناک باشد، اگر همراه با انگیزه‌های الهی و دوری از وسوسه‌های شیطانی باشد می‌تواند در تکامل روحی و معنوی انسان مؤثر باشد و او را به خدا نزدیک‌تر سازد. نمونه عینی این مطالب را در مقام معظم رهبری می‌توان دریافت. معظم‌له از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون دارای مسئولیت‌های متعدد بوده که آخرین آن همان مقام منیع ولایت فقیه است.

با اندک تأملی درمی‌یابیم که ایشان در پرتو همین مسؤولیت‌ها که همراه با اخلاص و ارتباط صادقانه با خدا بوده روز به روز تکامل روحی و معنوی‌اش بیش‌تر شده است.

نویسنده: نصرالله شفیعی